

مؤلفه‌های ارتقاء حس مکان در فضاهای جمعی محیط‌های داخلی دانشکده‌ی معماری و شهرسازی نمونه‌ی موردی: دانشکده‌ی معماری و شهرسازی دانشگاه هنر

Promoting a Sense of Place Factors in Collective Spaces of the Internal Environments of the Faculty of Architecture and Urban Planning (Case Study: University of Art)

اکبر دبستانی رفسنجانی^۱

چکیده

با گسترش کمی، دانشکده‌های معماری و شهرسازی، بعد کیفی آن دچار بی‌توجهی شده است. از طرفی مقالات متعددی به کیفیت آموزش در فضاهای آموزشی دانشکده‌های معماری پرداخته‌اند؛ اما در مورد فضاهای جمعی در محیط‌های داخلی، پیشینه نظری کافی در دست نیست. هدف این پژوهش بررسی مؤلفه‌های مؤثر در طراحی داخلی که نقش اصلی در ارتقای حس مکان و تعلق مکان دانشجویان در مراکز آموزشی را دارند، و همچنین اولویت‌بندی این عوامل با هدف بالا بردن تمایل دانشجویان به حضور در فضاهای آموزشی است که موجب بالا رفتن کیفیت آموزش می‌گردد. روش تحقیق کاربردی-پیمایشی است که در سه مرحله انجام گرفته است. مرحله‌ی اول بررسی اسناد کتابخانه‌ای و شناسایی مؤلفه‌های شکل‌دهنده مکان؛ مرحله‌ی دوم با روش دلفی از ۱۵ متخصص عوامل بین‌رشته‌ای جمع‌بندی شده است. در مرحله بعد پرسشنامه محقق ساخته بین ۹۰ دانشجوی دانشگاه هنر که به‌صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، توزیع و تکمیل شده است. در این پژوهش، فعالیت انتخابی در لایه اول و چشم‌انداز و شکلی‌گیری رویدادهای ساخت در لایه دوم، در بالاترین اولویت‌های مخاطبان فضاهای جمعی در محیط دانشکده معماری و شهرسازی قرار گرفتند. در نتیجه این پژوهش که حاصل بررسی اولویت‌ها و اهمیت پارامترهای مرتبط با ابعاد فعالیت، کالبدی و کیفیتی فضاهای جمعی محیط‌های داخلی دانشکده بود، مشخص شد که حس مکان تنها محدود به عوامل کالبدی نیست و عوامل کالبدی به همراه عوامل مؤثر در ارتقای کیفی فضا و بازتعریف فضا برای رخ دادن فعالیت‌های پویا، سرزنده و اجتماعی، نقش کاراتری در ارتقای حس مکان فضاهای جمعی محیط‌های داخلی دانشکده معماری و شهرسازی داشته‌اند.

کلید واژگان: حس مکان، فضای جمعی، کیفیت فضایی، طراحی داخلی، فضای آموزشی

۱- مقدمه

شناخت روان‌شناسانه رفتارهای انسان و تعامل انسان با محیط، از مقوله‌های مورد توجه معماران و شهرسازان به شمار می‌رود. طراحی بر اساس الگوهای روان‌شناختی این امکان را به طراحان می‌دهد که محیط‌هایی انعطاف‌پذیر به‌وجود آورده و پاسخگوی گرایش‌های متغیر افراد باشد. محیطی که به گفته آلمن، هم تأثیرپذیر است و هم نظارت بر تعامل اجتماعی را ممکن می‌سازد (عظمتی و همکاران، ۱۳۹۶). در بررسی رابطه‌ی انسان و محیط، شناخت عناصر کالبدی، ویژگی‌های محسوس محیط، معانی و پیام‌های برخاسته از آن حائز اهمیت است. شناخت بهتر محیط، زمانی ارزش بیشتری می‌یابد که علاوه بر بررسی عناصر و ویژگی‌های کالبدی محیط، معانی و مفاهیم برخاسته از آن و ادراکات کنش‌گران نیز مورد واکاوی قرار گیرد. حس مکان از جمله مفاهیمی است که شناخت بیشتر آن می‌تواند به محققان و برنامه‌ریزان در زمینه‌های گوناگون یاری رسانده و در نهایت منجر به توسعه‌ی محیط شود.

با تأملی در فضاهای آموزشی ایران، نیاز به طراحی فضایی مطلوب و اجتماعی احساس می‌شود. این فضاها به دلیل محدودیت‌های خاص خود، مستعد بی‌روح شدن هستند. حس تعلق خاطر یا دل‌بستگی به چنین مکان‌هایی وجود ندارد و یا در صورت وجود، از سوی بهره‌بردار ناچیز پنداشته می‌شود (عابدین‌زاده شیخ و همکاران، ۱۳۹۱). اما همچنان خلا بررسی آن در معماری و طراحی داخلی فضاهای آموزشی وجود دارد. همچنین، ساختار فرم معماری مؤثر بر آموزش، از عوامل بسیاری تأثیر می‌پذیرد که از آن میان می‌توان به نقش معمار، طراح، طراح داخلی، روان‌شناسان، انسان‌شناسان، متخصصان علوم جغرافیا و محیط‌شناسان اشاره نمود (Yildiz & Cakir, 2013). با توجه به اهمیت فضاهای آموزشی، هدف اصلی این پژوهش بررسی مؤلفه‌های مؤثر در طراحی داخلی است که نقش اصلی در ارتقای حس مکان و تعلق به مکان را در دانشجویان مراکز آموزشی دارند و در نهایت اولویت‌بندی این عوامل با هدف افزایش تمایل دانشجویان به حضور در فضاهای آموزشی که موجب افزایش کیفیت آموزش می‌گردد. نتایج حاصل از این پژوهش گامی در جهت ارتقای حس تعلق به مکان در طراحی داخلی مراکز آموزشی است و راهکارهای مقتضی می‌تواند راهگشای تحقیقات بعدی در این زمینه باشد.

۱-۱- پیشینه پژوهش

با گسترش کمی فضا در دانشکده‌های معماری و شهرسازی، بعد کیفی آن نادیده گرفته شده که با بررسی دانشکده‌های موجود می‌توان بحران کیفیت فضایی را مشاهده نمود. عوامل کالبدی و عملکردی در فضاهای آموزش معماری به‌خصوص دانشکده‌ها از اهمیت خاصی برخوردار هستند. یافته‌های کورت نشان می‌دهد که نوع و ساختار طراحی داخلی فضای آموزش معماری و همچنین کل مجموعه به‌عنوان مهم‌ترین مکان تفکر دانشجویان معماری از اهمیت بالایی برخوردار است که نه تنها بر دید معمارانه دانشجویان مؤثر خواهد بود، بلکه کیفیت مطلوب ذهنی آن باعث تداوم تاریخی آن می‌شود (Kurt, 2009). مقالات متعددی به کیفیت آموزش در فضاهای مختص آموزش در دانشکده‌های معماری و شهرسازی پرداخته‌اند. برای مثال نقدبیشی و همکاران (۱۳۹۷)، خبازنوری و البرزی (۱۳۹۴)، و وزیر و کرامتی (۱۳۹۶)؛ اما در مورد فضاهای جمعی و مشاع مطالب چندانی در دست نیست. درحالی‌که این فضاها، مساحت زیادی از هر ساختمان را شامل شده و امکان استفاده از آن‌ها برای آموزش و تعامل دانشجویان فراهم است. دغدغه اول معماران به‌وجود آوردن فضا برای برآورده ساختن فعالیت‌ها و زیست انسان است، اما بعضی مکان‌ها آن‌چنان جاذبه‌ای دارند که به فرد نوعی احساس وصف‌ناشدنی القاء می‌کنند و او را سرزنده و شاداب و علاقه‌مند به حضور و بازگشت به آن مکان‌ها می‌کنند (عظمتی و همکاران، ۱۳۹۶). مردم از محیط بدون ویژگی‌های عاطفی و ذهنی رنج می‌برند و توانایی‌های انسانی تنها در صورتی بیان می‌شد که محیط فیزیکی با طیف وسیعی از تجربه‌ها همراه شود (McCoy & Evans, 2010). این امر با توجه به نوع آموزش در دانشکده‌های معماری و شهرسازی بسیار اهمیت دارد. دست‌یابی به مهارت‌های اجتماعی برای دانشجویان، لزوماً در آتیه‌ها و فضاهای رسمی دانشکده میسر نمی‌شود، بلکه ممکن است فضاهای جمعی و غیررسمی، مکان‌های مناسب‌تری برای ملاقات و تعامل با دانشجویان سال‌های بالاتر، دانشجویان سایر رشته‌ها، انجام کارهای گروهی، بازیابی، قضاوت پروژه‌ها و... باشد (علی تاجر و زارعی حاجی‌آبادی، ۱۳۹۵). پژوهش‌های مرتبط با کیفیت محیط کالبدی و حس مکان عمدتاً در ارتباط با فضاهای شهری صورت گرفته و این تحقیقات در محیط‌های داخلی مراحل آغازین خود را می‌گذرانند، به‌ویژه آن‌که این مقوله در رابطه با محیط آموزشی کمتر تبیین شده است. به همین دلیل انجام تحقیقاتی از این دست بسیار ضروری است.



۲- مبانی نظری

از دیدگاه روان‌شناسی محیطی انسان‌ها به تجربه‌ی حسی، عاطفی و معنوی خاص نسبت به محیط زندگی نیاز دارند که این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی هم‌ذات‌پنداری با محل سکونت قابل تحقق است. این تعامل صمیمی و هم‌ذات‌پنداری، روح یا حس مکان^۲ نامیده می‌شود. از نظر روانی حس مکان کاتالیزوری است که باعث تبدیل یک محیط به یک مکان می‌شود و ترکیبی است پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌هایی که شخص یا گروه به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از فضا یا منطقه‌ای خاص ادراک می‌کنند. معانی و مفاهیمی که پس از ادراک مکان توسط فرد رمزگشایی می‌شود از عوامل ایجاد حس مکان است. در این صورت حس مکان تنها به معنای یک حس یا عاطفه یا هر گونه رابطه با مکانی خاص نیست، بلکه نظام و ساختاری شناختی است که فرد با آن به موضوعات، اشخاص، اشیاء و مفاهیم یک مکان احساس تعلق پیدا می‌کند (فلاح، ۱۳۸۵).

حس مکان توسط عوامل فیزیکی و اجتماعی شکل می‌گیرد. بُعد فیزیکی حس مکان را می‌توان با ایجاد فضایی جذاب به‌دست آورد. بُعد اجتماعی حس مکان از طریق سازمان‌دهی رویدادهای مختلف احساس اجتماعی مکان تقویت می‌شود (Kusumowidagdo, Sachari & Widodo, 2015). حس مکان، رابطه‌ی بین یک فرد و یک مکان است که شامل عناصر عاطفی، شناختی و رفتاری است. حس مکان شامل سه مؤلفه‌ی سازنده‌ی تعلق به مکان، هویت مکان و وابستگی به مکان است. تعلق به مکان، رابطه‌ی عاطفی یا احساسی بین فرد و فضای پیرامون است. هویت مکان به‌عنوان شناخت باورها، ادراک و افکار فردی در نظر گرفته می‌شود که خود توسط یک فضای خاص منعکس می‌گردد. وابستگی به مکان نیز مزیت رفتار ادراکی از یک فضا در رابطه با دیگر موقعیت‌ها است (Boerebach, 2012). شناخت و ادراک فرد از یک مکان از شروط اولیه ایجاد حس تعلق به مکان است، بدین منظور محیط‌های با خوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده‌کنندگان جزء محیط‌های مطلوب بوده و افراد در آن ادراک و شناخت بهتری پیدا می‌کنند (عظمتی و همکاران، ۱۳۹۶). پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که محیط علاوه بر عناصر کالبدی شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل آن را رمزگشایی کرده و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند (فلاح، ۱۳۸۵).

جدول ۱- دیدگاه‌های مربوط به اجزای تشکیل‌دهنده مکان (حیدری و همکاران، ۱۳۹۲)

دیدگاه	نظریه پرداز
عناصر اصلی مکان را شامل قرارگاه‌های کالبدی، فعالیت‌های درون آن و معانی برخاسته از آن می‌دانند.	رلف (۱۹۷۶) و کانتر (۱۹۷۷)
مردم با فرهنگ (شامل مجموعه ارزش‌ها، باورها و جهان‌بینی‌ها) به محیط معنا می‌دهند.	راپاپورت (۱۹۸۲)
معنای مکان حاصل رابطه بین عناصر کالبدی فضا و الگوهای ذهنی می‌داند.	لینچ (۱۹۸۴)
اجزای اصلی تشکیل‌دهنده مکان را بستر، موقعیت و حس مکان (معنای مکان) می‌داند.	اگنیو (۱۹۸۷)
مکان فضایی است که در یک فرآیند فرهنگی، فردی و گروهی معنا دار می‌شود.	لوو و آلمن (۱۹۹۲)
مکان را شامل سه مؤلفه موقعیت جغرافیایی ویژه، شکل کالبدی و هویت که شامل معنا و ارزش می‌داند.	گیرین (۲۰۰۰)
معنای مکان از تعامل سه عامل شخص، دیگران و محیط به دست می‌آید.	گوستافسون (۲۰۰۱)
معنای مکان برگرفته از سه عامل محیط فیزیکی، عملکردی و اجتماعی است.	وندركلیس و کارستون (۲۰۰۹)

آنچه از بررسی پیشینه پژوهش‌ها بر می‌آید این است که با توجه به اینکه اکثر پژوهش‌گران، نگاهی پوزیتیویستی و اثبات‌گرایانه نسبت به مسئله مکان و معنای مکان دارند، با این حال هر کدام، عوامل مختلفی را در شکل‌گیری معنای مکان مؤثر می‌دانند. پاره‌ای از آن‌ها به تبیین اهمیت عوامل کالبدی در شکل‌گیری معنا پرداخته‌اند و عده‌ای دیگر به اهمیت عوامل مفهومی. گروهی عوامل فردی را در شکل‌گیری معنای مکان مؤثر می‌دانند و گروهی دیگر، نقش عوامل اجتماعی را در این رابطه با اهمیت می‌دانند. اما آنچه مسلم است این است که عوامل تأثیرگذار در شکل‌دهی به معنای مکان در محیط‌های مختلف بسته به افراد استفاده‌کننده از آن متفاوت است. افراد مختلف بنا به نوع ادراکی که از آن محیط داشته و نیز نحوه‌ی تجربه آن، سطوح مختلفی از این معنا را ادراک می‌کنند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۲).

حس مکان از منظرهای گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است و نظریه‌پردازان، تعاریف مختلفی برای آن ارائه داده‌اند. در



مطالعات پیش از دهه‌ی ۷۰ میلادی عملاً توجه چندانی به انگاره تعلق و دل‌بستگی به مکان نشده است. در این رابطه مفاهیمی چون دل‌بستگی به مکان (Altman & Low, 1992; Manzo, 2003)، دل‌بستگی اجتماعی، حس مکان (Tuan, 1974)، همبستگی اجتماعی، وابستگی به مکان (Williams, 1995)، هویت مکان (Proshansky, 1978)، تعلق به مکان و ریشه‌داری (Tuan, 1980)، را تبیین نمودند (دانش‌پایه و همکاران، ۱۳۹۶).

دل‌بستگی به مکان در روان‌شناسی و مطالعات محیطی از موضوعات مورد توجه بوده است. واژه‌ی دل‌بستگی به مکان به تأثیر عاطفی یک مکان اشاره دارد که افراد به لحاظ حسی و فرهنگی به آن جذب می‌شوند (پیربابایی، ۱۳۹۵). دل‌بستگی به مکان، ارتباط عاطفی پیچیده بین مردم و مکان است که فراتر از شناخت، اولویت و قضاوت است. دل‌بستگی به مکان همچنین اشاره به غنای معانی دارد که متأثر از آشنایی و تداوم مراجعه است و عموماً پس از آن که افراد تجربه‌های درازمدت در یک مکان دارند، اتفاق می‌افتد و در این فرآیند، مکان معنای وسیعی برای فرد می‌یابد (Lindsay & Gifford, 2014). وابستگی به مکان، وابسته به ادراک افراد است. این مؤلفه اشاره به ارتباطات فیزیکی فرد-مکان بر اساس فعالیت‌های مشخص دارد و ارتباطی کارکردی است. اغلب وابستگی به مکان بعد از ارزیابی افراد درباره‌ی میزان موفقیت اماکن در دستیابی به اهداف مورد نظر استفاده‌کنندگان به وجود می‌آید (دانش‌پایه و همکاران، ۱۳۹۶).

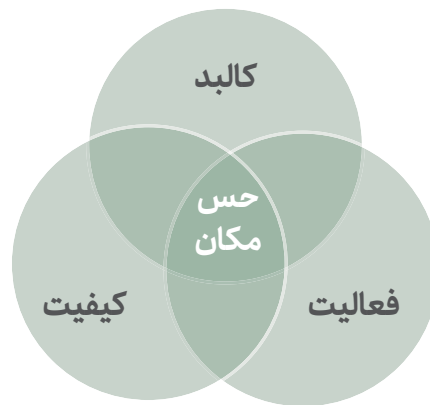
جدول ۲- دیدگاه‌های مربوط به دل‌بستگی مکان (ضیاءشهبانی و دبستانی رفسنجانی، ۱۳۹۸)

دیدگاه	نظریه پرداز
تعریف و شناخت مبانی دل‌بستگی به مکان، سنجش ارکان مختلف جامعه در مواجهه با این مفهوم	آلتمن و لو (۱۹۹۲)
سنجش حس مکان در میان کاربران یک فضای تفریحی عمومی، تقسیم‌بندی عوامل حس مکان به سه سطح وابستگی، هویت مکانی و سبک زندگی	بریکر (۲۰۰۰)
سنجش اعتبار و عمومیت عوامل دل‌بستگی به مکان در دو دسته‌ی وابستگی به مکان و هویت مکان	ویلیامز ووسک (۲۰۰۲)
نسبت حس مکان با کارکردهای فضا، رضایت‌مندی از مکان، خصوصیات مکان و معانی برساخته	استدمن (۲۰۰۳)
سنجش حس مکان در میان شهروندان شهر میثیگان، معرفی عوامل سنجش حس مکان	نانزر (۲۰۰۴)

از نگاه نظریه‌پردازان، عوامل ایجاد دل‌بستگی به مکان را می‌توان در سه بخش فردی، کالبدی و عاطفی در نظر آورد و هر کدام از این سه بخش خود به عوامل جزئی‌تری تقسیم می‌شوند، اما وجه مشترک تمام این عوامل وجود احساسات مثبت در افراد نسبت به یک فضا است. حس مکان از منظرهای گوناگون در طول زمان مورد بررسی قرار گرفت و نظریه‌پردازان، تعاریف مختلفی برای آن ارائه دادند. یکی از راه‌ها برای دسته‌بندی این تعاریف، تقسیم کردن آن به دو بخش اصلی حس مکان از منظر تجربه‌گرایان و حس مکان از منظر پدیدارشناسی است. پدیدارشناسانی مانند شولتز^۳، مکان را فضایی می‌داند که انسان از وجود خودآگاه است و در واقع فضا تنها زمانی که به نظامی از مکان‌های با معنا و برانگیزاننده احساس باشد، زنده می‌شود و شکل می‌گیرد. مکان‌های با معنا دارای سه اصل: گونه‌شناسی، مکان‌شناسی و ریخت‌شناسی هستند (پورمند و همکاران، ۱۳۸۹). رلف^۴ مکان‌ها را ترکیبی از نظم طبیعی و نظم انسانی دانسته و هویت و کاشانه و اجتماع را مفاهیم اساسی آن می‌شمرد (Relph, 1976). توآن^۵ مکان را به‌عنوان مرکز معنا یا حوزه توجه بر اساس تجربیات انسان، روابط اجتماعی، هیجانات و تفکرات توصیف می‌کند و آن را در سه وجه کالبد، فعالیت و معنا تعریف می‌کند و معتقد است معنا نسبت به دو وجه دیگر از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و دشوارتر از بقیه به دست می‌آید (حیدری و بهدادفر، ۱۳۹۳).

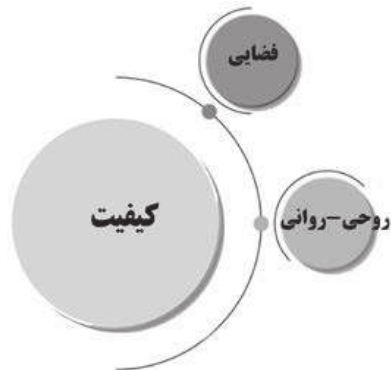
تجربه‌گرایانی مانند کانتر^۶ (۱۹۷۱) معتقد است، مکان نمی‌تواند مستقل و جدای از فرد باشد. بر اساس مدل کانتر مکان بخشی از فضای طبیعی یا ساخته شده است که به لحاظ مفهومی یا مادی محدودهای مشخص دارد و نتیجه‌ی روابط متقابل میان سه عامل رفتار انسانی با مفاهیم و مشخصات کالبدی مربوط به آن است. با اقتباس از دیدگاه وی، کیفیت محیط عبارت است از برآیند این سه مؤلفه که هر یک از آن‌ها عهده‌دار برآورده ساختن یکی از کیفیت‌های محیط است (فلاح، ۱۳۸۴). از نظر کانتر، «حس مکان» بر ارزش‌ها و نگرش‌ها به‌ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان تأثیر می‌گذارد، چنان‌که افراد معمولاً در فعالیت اجتماعی با توجه به میزان ادراک «حس مکان» شرکت می‌کنند که عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی افراد بوده و به هویت‌مندی و احساس تعلق به مکان کمک می‌کند (لک و غلامپور، ۱۳۹۴).

اثبات‌گرایی چون فریتزر استیل^۷ حس مکان را رابطه‌ی انسان و مکان تعاملی شرح می‌دهد به این معنی که مردم چیزهای مثبت یا منفی را به محیط داده و سپس از آن می‌گیرند؛ بنابراین چگونگی فعالیت مردم در کیفیت تأثیر محیط بر آن‌ها مؤثر است. تصور مکان نه فقط کالبدی، بلکه روانی و تعاملی است و حس مکان به‌عنوان یک تجربه از ترکیب یک مکان-رفتار و آنچه انسان به آن می‌دهد، به‌وجود می‌آید، به‌بیان‌دیگر برخی از چیزهایی که انسان در مکان ایجاد می‌کند، بدون او و مستقل از او به‌وجود نمی‌آید. برخی از فضاها با روح مکان قوی که دارند، بر انسان‌های مختلف تأثیرات مشابه می‌گذارند (Steel, 1981). از دید راپاپورت^۸ مردم با فرهنگ خود شامل مجموعه‌ی ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی‌ها و... به محیط معنا می‌دهند (Rapoport, 1982). معنای مکان از منظر لینچ^۹ حاصل رابطه‌ی بین عناصر کالبدی فضا و الگوهای ذهنی است (Lynch, 1984)؛ و هیومن^{۱۰} معتقد است حس مکان دارای سطوح مختلفی شامل ریشه‌داری عقیدتی، ریشه‌داری ناخودآگاه، مکان نسبی، بیگانگی با مکان و بی‌مکانی است. از نظر جان جکسن^{۱۱} حس مکان حسی است که فرد در نتیجه یک اتفاق یا سنت در درون خود می‌سازد و با حس بازیابی و خواندن دوباره وقایع، نگهداری می‌شود (ضرابیان و منعم، ۱۳۸۷). طبق مطالعات انجام شده می‌توان نتیجه گرفت حس مکان صرفاً مفهومی فیزیکی نیست و با مفاهیم کیفی و الگوهای رفتاری در ارتباط است. در پژوهش حاضر بر طبق تعاریف مطرح شده مدل معنایی حس مکان متأثر از سه عامل اصلی کیفیت، کالبد و فعالیت تدوین شد.



تصویر ۱- مدل معنای حس مکان

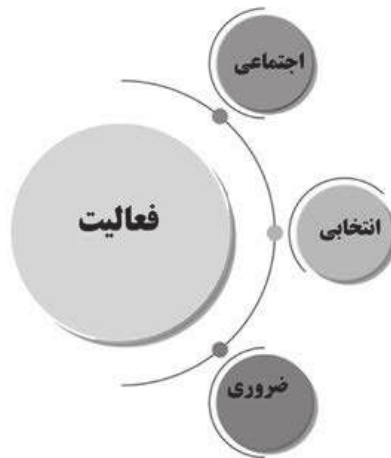
کیفیت چگونگی یک‌چیز یا پدیده است که تأثیرات عاطفی، عقلانی خاص بر انسان می‌گذارد. زمانی که پدیده‌ی خود را در معرض محیط یا محیط خود را در معرض ادراک قرار دهد، نموده‌های برجسته‌تر و دارای تأثیرات بیشتر، کیفیت نامیده می‌شود. کیفیت در حالت عادی برای وصف «درجه‌ی کمال» اشیاء و پدیده‌ها به‌کاربرده می‌شود (گلکار، ۱۳۷۹). کیفیت از یک طرف خاصیت و ویژگی‌های اصلی یک‌چیز است مبتنی بر وجود یا هستی یک موضوع، ارتباط انکارناپذیری با موجودیت آن یا ویژگی‌های کمی آن و از طرف دیگر کلیت و سیستمی از جزء کیفیت‌هایی است که آن چیز را به‌وجود می‌آورد (پاکزاد، ۱۳۸۱). مجموعه خصوصیات یا صفات مشخص که باعث تمایز یک شیء از اشیای دیگر شده، افراد را قادر می‌سازد در مورد برتری، مشابهت یا فروتری چیزی در مقایسه با چیزی دیگر قضاوت نمایند و در مورد زیبا یا زشت بودن، خوب یا بد بودن و از نظر عملکردی در مورد بهتر یا بدتر بودن و کارآمد یا ناکارآمد بودن نظر دهند. مفهوم کیفیت، مفهومی است نسبی که واجد معنایی فراتر از معنای بدیهی و معمول آن است (پاکزاد، ۱۳۸۵، ۷۸).



تصویر ۲- دسته‌بندی کیفیت

پژوهش‌های یان گل^{۱۱} معطوف به حیات اجتماعی جاری در عرصه‌های عمومی است و به‌طور خاص به تسهیلات زندگی در فضاها عمومی می‌پردازد و سعی در گسترش مرزهای آن فراتر از استفاده‌ی معمول از عرصه‌های عمومی دارد. مسئله‌ی مهم آن است که حضور مردم، فعالیت و اتفاقات جزء یکی از کیفیت‌های عرصه عمومی محسوب می‌شود. به کمک طراحی فضاها تا حد مشخصی می‌توان بر تعداد افرادی که از فضای عمومی استفاده می‌کنند، مدت زمانی که فعالیت‌ها در آن رخ می‌دهد و نیز نوع فعالیت‌های فضا اثر گذاشت. تمامی فعالیت‌هایی که در فضای عمومی رخ می‌دهد به سه دسته فعالیت ضروری، انتخابی و اجتماعی تقسیم می‌کند.

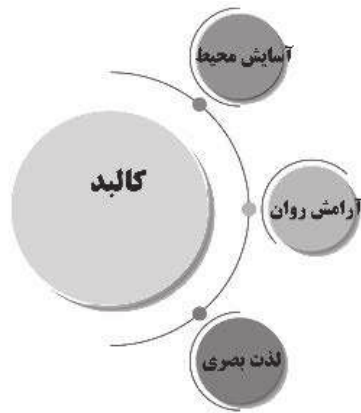
فعالیت‌های ضروری حالتی کمابیش اجباری دارند. به باور گل این فعالیت‌ها کمترین تأثیرپذیری را از محیط پیرامون دارند. فعالیت‌های انتخابی زمانی صورت می‌پذیرند که تمایل به انجام آن‌ها وجود داشته باشد و زمان و مکان نیز فراهم آورنده‌ی زمینه‌ای مساعد باشند. این فعالیت‌ها تنها در صورت مطلوب بودن شرایط فیزیکی و جوی محیط بیرون رخ می‌دهند. فعالیت‌های اجتماعی دربردارنده‌ی فعالیت‌هایی است که بیش از هر چیز وابسته به حضور دیگران در فضای عمومی است (گل، ۱۳۹۶).



تصویر ۳- دسته‌بندی فعالیت

کیفیت عملکردی و محیط داخلی، نقش مهمی در ایجاد محیط آموزشی مطلوب مبتنی بر فضای آموزشی برای دانشجویان معماری فراهم می‌کند (Musa et al., 2012). از دیدگاه مجامع حرفه‌ای بین‌المللی طراحی داخلی، محدوده تأثیرگذار این حرفه همواره دامنه گسترده‌ای از برنامه‌ریزی تا ارائه راه‌حل‌های طراحانه همراه با خلاقیت را در برمی‌گیرد. این رشته‌ی تخصصی به‌عنوان حرفه‌ای چند جانبه و بین‌رشته‌ای در تلاش است تا شرایط لازم برای بهبود سلامت^{۱۳}، ایمنی^{۱۴} و آسایش^{۱۵} را در محیط داخلی فراهم آورد و بدین‌منظور دغدغه‌ای فراتر از توجه صرف به زیبایی بصری را پی می‌گیرد. طراحان داخلی از طریق توجه توأمان به اصول زیبایی‌شناسی بصری و مهارت‌های فنی در تلاش هستند تا تجربه‌ی کاربر از فضاهای داخلی را بهبود بخشند. از همین‌رو یکی از اهداف اصلی طراحی داخلی، ساماندهی حال و هوای محیط‌های داخلی متناسب با فعالیت‌های آن از طریق به‌کارگیری عناصر طراحی^{۱۶} و اصول طراحی^{۱۷} است.





تصویر ۴- دسته‌بندی کالبد

در پژوهش حاضر، حس مکان در سه بعد اصلی فعالیت، کالبد و کیفیت در لایه اول به هشت مؤلفه‌ی فعالیت انتخابی، فعالیت اجتماعی، فعالیت ضروری، آسایش محیط، آرامش روان، لذت بصری، کیفیت فضایی و کیفیت روحی روانی تقسیم شد و در لایه دوم در مجموع ۲۳ عامل دارند که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند و در نمودار ذیل آمده است.

جدول ۳- شاخص‌ها و سنجه‌های پژوهش

منابع حمایت‌کننده از چارچوب نظری تحقیق	سنجه/ها	شاخص/ها
	کیفیت فضایی: اجتماع‌پذیری - فعالیت‌پذیری - خاطره‌انگیزی کیفیت روحی-روانی: امنیت- تعلق خاطر	کیفیت‌های مؤثر بر حس مکان
لنگ، ۱۳۸۶؛ مولوی، ۱۳۸۴؛ فلاح، ۱۳۸۴؛ شاطریان، ۱۳۸۹؛ کامل‌نیا، ۱۳۸۸؛ پاکزاد، ۱۳۸۵؛ Lynch, 1984	فعالیت ضروری فعالیت اجتماعی: گپ زدن - شکل‌گیری رویدادهایی از جنس ساخت فعالیت انتخابی: داوری و ژوژمان - ارائه پروژه‌های دانشجویی - چیدمان	فعالیت‌های مؤثر بر حس مکان
	آسایش محیط: حرارت محیط- رطوبت محیط- نور طبیعی و مصنوعی آرامش روان: تناسب فضایی- مقیاس فضایی- صوت محیط- فرم- سیرکولاسیون لذت بصری: گرافیک محیطی- رنگ و هارمونی- چشم‌انداز-ارگونومی- نقش و بافت- چیدمان و فرم مبلمان	عوامل کالبدی مؤثر بر حس مکان

۳- روش پژوهش

در پژوهش پیش‌رو، در سه‌گام اصلی سعی بر شناخت و اولویت‌بندی عوامل مؤثر در طراحی داخلی فضاهای جمعی دانشکده‌ی معماری و شهرسازی است. در گام نخست، اسناد و منابع کتابخانه‌ای در زمینه‌های حس مکان، مؤلفه‌های شکل‌دهنده‌ی مکان و کیفیت مطالعه شد که خلا منابع مرتبط در بحث طراحی داخلی مشخص شد. در این مرحله عواملی از مطالعات منابع استخراج شد. نیازهای زیبایی‌شناختی، فضای شخصی، امنیت، ارتباطات اجتماعی، تطبیق‌پذیری، فضای اجتماع‌پذیر (لنگ، ۱۳۸۶)، عناصر بصری مانند تناسبات هماهنگ با فضا، لذت‌بخش بودن حضور در آن، تعامل اجتماعی، خاطره جمعی، هویت، همبستگی، دل‌بستگی، نماد و خاطره مردم (مولوی، ۱۳۸۴)، ویژگی‌های کالبدی مانند فرم و اندازه، بافت و تزئینات، چیدمان (فلاح، ۱۳۸۴) و طراحی منظر و جو حاکم بر محیط همچون پویایی، سکون (شاطریان، ۱۳۸۹، ۵۳)، نمونه‌هایی از عوامل استخراج شده است. محیط‌های یادگیری، چهار دسته‌بندی کلی ارائه شد: ویژگی‌های فضایی (مانند ساکت، خودمانی، باز و...)، ویژگی‌های روانی (مانند آرامش‌بخش، ایمن، لذت‌بخش و...)، ویژگی‌های فیزیکی (مانند گرما، سرما و لذت بصری) و ویژگی‌های رفتاری مانند مطالعه فردی، کارگروهی و موسیقی (کامل‌نیا، ۱۳۸۸، ۱۴).



با تعدیل و ادغام عوامل بررسی شده، مدل نظری مبتنی بر این مطالعات در ارتباط با طراحی داخلی مطرح شد. بین‌رشته‌ای بودن موضوع مورد پژوهش و نیاز به قضاوت متخصصان و توافق گروهی در دستیابی به نتیجه موجب شد تا از روش دلفی^{۱۸} استفاده شود. روش دلفی روشی برای کسب نظر متخصصان در رسیدن به پاسخ پرسش‌های مطرح شده است. کسب اجماع در نظرات افراد مختلف، عدم نفوذ عقیده‌ی فردی خاص، آزادی از هر گونه فشار و ارائه دیدی بی‌طرفانه همراه با صداقت از مواردی هستند که باعث اعتبار محتوای به‌دست‌آمده از روش دلفی است. روش دلفی با همکاری افرادی انجام شد که در موضوع پژوهش دارای دانش و تخصص هستند. این افراد با عنوان پانل دلفی معرفی شدند. انتخاب اعضای مناسب برای پانل دلفی از مهم‌ترین مراحل این روش به حساب می‌آید چراکه اعتبار نتایج کار، بستگی زیادی به شایستگی و دانش این افراد دارد (علیدوستی، ۱۳۸۵، ۱۳).

پانل انتخاب شده برای انجام این پژوهش شامل ۱۵ متخصص بود که ۷ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۸ نفر دارای مدرک دکتری تخصصی هستند. ۱۳ نفر از آن‌ها در حداقل یک مقطع از مقاطع تحصیلی دانشگاهی خود در رشته‌ی معماری داخلی تحصیل کرده‌اند. ۶ نفر زمینه فعالیت خود را معماری داخلی، ۴ نفر معماری، ۱ نفر مدیریت پروژه و ساخت و ۴ نفر طراحی شهری معرفی کردند. ۱ نفر سابقه‌ی فعالیت کمتر از ۵ سال، ۹ نفر سابقه‌ی فعالیت بین ۵ تا ۱۵ سال، ۴ نفر سابقه‌ی فعالیت بین ۱۵ تا ۲۵ سال و ۱ نفر بیشتر از ۲۵ سال اعلام کرده‌اند. برای این منظور پرسشنامه‌ای تهیه و در سایت پرس‌لاین^{۱۹} بارگذاری و لینک پرسشنامه برای اعضای پانل ارسال شد. در ابتدای پرسشنامه توضیحات مختصری راجع به چستی و هدف پژوهش و اهمیت همکاری متخصصان داده شد. در پرسش‌ها خواسته شده، انتخاب گزینه‌ها برای هر یک از مؤلفه‌ها و عوامل چارچوب نظری و پیشنهاد خود را برای آن‌ها پرسیده شده بیان کنند. سپس خواسته شده هر یک از مؤلفه‌ها و عوامل را که اساساً ضروری نمی‌دانند حذف کنند و در نهایت خواسته شده عواملی را که به نظر آن‌ها از قلم افتاده‌اند، اضافه کنند. با توجه به نظرات کسب شده، هر یک از مؤلفه‌های مطرح شده در چارچوب نظری بازتعریف شده و عوامل تازه‌ای نیز به فهرست افزوده و تعریف شد.

در مرحله دوم، پرسشنامه دیگری با ۴۹ پرسش در مقیاس لیکرت طراحی شد که در مرحله آزمون، ۳۰ دانشجو به پرسش‌های آن پاسخ دادند. برای تعیین پایایی^{۲۰} پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ^{۲۱} با تأکید بر همبستگی درونی استفاده شد. با افزایش میزان سازگاری درونی پرسشنامه، ضریب آلفا نیز افزایش می‌یابد به این معنی که اگر گویه‌ها بیشترین ارتباط را با هدف مورد بررسی (متغیر مربوط به فرضیات پژوهش) داشته باشند، این ضریب بزرگ می‌شود. اگر مقدار ضریب آلفای کرونباخ ≥ 0.9 باشد، سازگاری داخلی گویه‌ها عالی است.^{۲۲} آلفای کرونباخ برابر با 0.952 ؛ و قابل قبول بوده است و روایی پرسشنامه طبق محاسبات آماری بررسی شده و قابل قبول بوده است. در این مرحله سه پرسش تغییر کرده و یک پرسش نیز به متغیر وابسته «حس مکان» اضافه شد و مجموعاً ۵۰ پرسش اصلی^{۲۳} (۳ پرسش حس مکان، ۲ پرسش فعالیت انتخابی، ۴ پرسش فعالیت اجتماعی، ۷ پرسش آسایش محیطی، ۸ پرسش آرامش روانی، ۱۶ پرسش لذت بصری، ۶ پرسش کیفیت بصری و ۴ پرسش کیفیت روحی و روانی) و ۶ پرسش دموگرافیک (جنسیت، نام دانشگاه، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی و سال ورود به دانشگاه، ایمیل و میانگین روزهای حضور در دانشگاه) برای پرسشنامه نهایی طراحی شد. هر کدام از عوامل مطرح شده در چارچوب نظری ۲ پرسش اصلی داشتند. ۹۰ دانشجوی دانشگاه هنر تهران در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به پرسش‌ها پاسخ دادند.

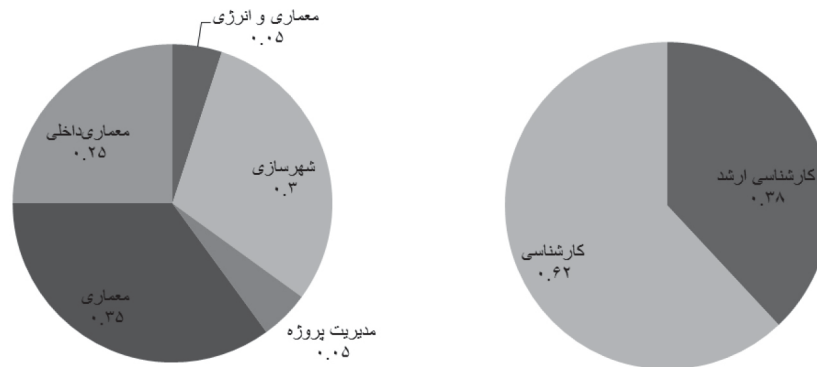
۴- تحلیل داده‌ها

دانشکده‌ی معماری و شهرسازی دانشگاه هنر که در این پژوهش به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شده در بنایی تاریخی متعلق به دوره‌ی معماری پهلوی اول قرار دارد. این بنا که در چند سال اخیر با تغییر کاربری و مرمت فضاهای داخلی ساختمان قدیمی به فضایی آموزشی در دانشگاه هنر تبدیل شده، موفق عمل نموده و مطلوبیت نسبی برای حضور دانشجویان رشته‌های مختلف دانشکده معماری و شهرسازی را فراهم آورده است. در کنار فضاهای باز این مجموعه تاریخی (عمارت قزاقخانه)، ساختمان دانشکده دارای فضاهای جمعی داخلی است که با فراهم شدن امکان حضور دانشجویان در بیشتر این فضاها، دارای ویژگی‌های مناسب فضاهای دانشگاهی پویا و زنده‌ای است.

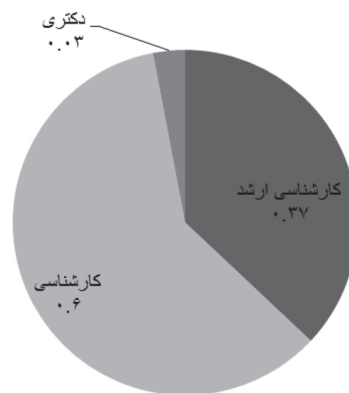


تصویر ۵- محیط داخلی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر

برای پرسشنامه‌ی نهایی از ۹۰ دانشجوی دانشگاه هنر ۵۰ پرسش اصلی و ۶ پرسش دموگرافیک پرسیده شد. بر طبق چارچوب نظری ارائه شده، سه پرسش مربوط به حس مکان و هر مؤلفه لایه اول در زیرمجموعه‌های فعالیت انتخابی و فعالیت اجتماعی، کالبد-آسایش محیط، کالبد-آرامش روان، کالبد-لذت بصری، کیفیت-فضایی و کیفیت-کیفیت روحی-روانی با مجموع ۳۳ عامل در لایه دوم مورد پرسش قرار گرفتند.

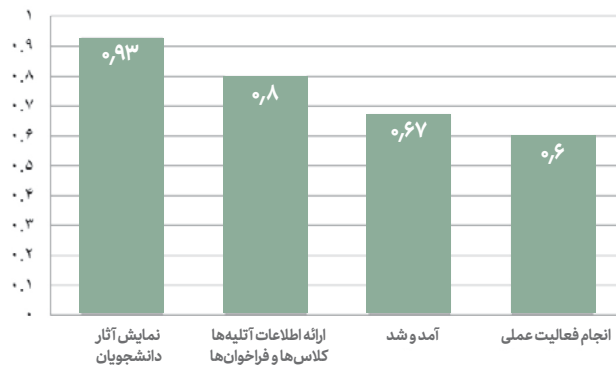


تصویر ۶- فراوانی جنسیت پاسخ‌دهندگان **تصویر ۷- فراوانی گرایش تحصیلی پاسخ‌دهندگان**

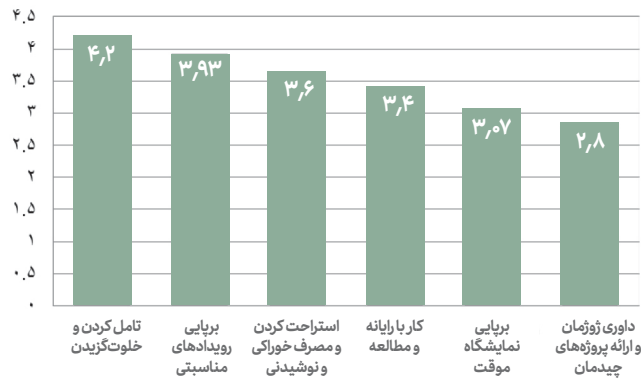


تصویر ۸- فراوانی مقطع تحصیلی پاسخ‌دهندگان

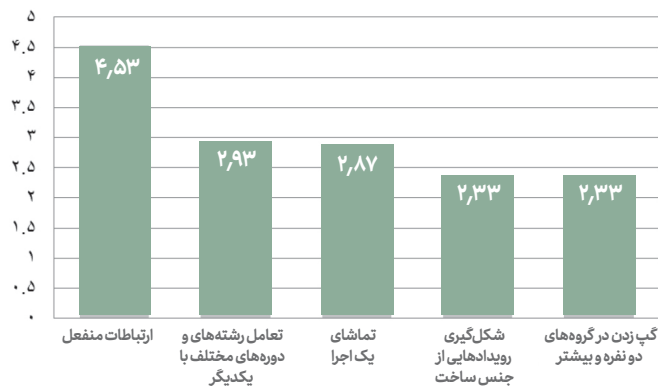
نرم افزار استفاده شده برای تحلیل های آماری آموس^{۲۴} ۱۸ است و آزمون استفاده شده برآورد درست نمایی بیشینه^{۲۵} است که روشی است برای برآورد کردن پارامترهای یک مدل آماری. یکی از مهم ترین مسائل در پژوهش های آماری، برآورد پارامترهای مدل است. این امر، ممکن است به کمک تابع درست نمایی صورت گیرد. از منظر تحلیل گران فراوانی^{۲۶} تابع درست نمایی، صحیح ترین راه برای رسیدن به هدف محسوب می شود. بسیاری از برآوردها، در تحلیل های آماری به کمک تابع درست نمایی صورت می پذیرد زیرا درک و شهود بیشتری در به کارگیری این روش وجود دارد. همچنین برای مدل های چند لایه معادلات ساختاری این روش تحلیل آماری پیشنهاد می شود.



تصویر ۹- فراوانی فعالیت های ضروری

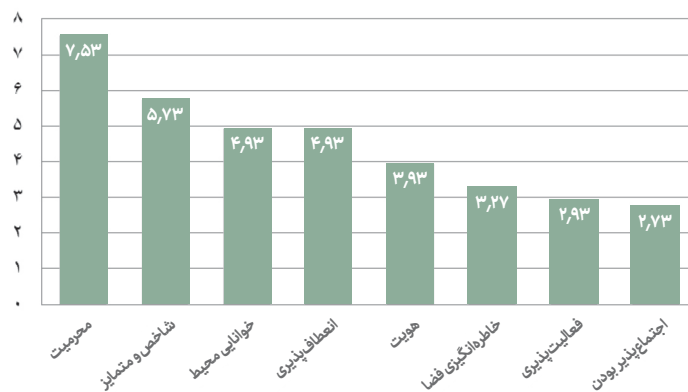


تصویر ۱۰- اولویت های فعالیت های انتخابی



تصویر ۱۱- اولویت های فعالیت های اجتماعی





تصویر ۱۲- اولویت‌های کیفیت‌های فضایی



تصویر ۱۳- اولویت‌های کیفیت‌های روحی-روانی

برای سنجش پایایی پرسشنامه اصلی، آلفای کرونباخ $0/931$ است که نشان دهنده‌ی آن است که سازگاری داخلی گویه‌ها عالی است. در سنجش روایی نیز طبق بررسی آماری، تمامی پرسش‌ها معتبر^{۳۷} و معنادار بودند که نشان می‌دهد پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه به‌درستی انتخاب شدند و جامعه آماری مناسب بود. زمان پاسخگویی پاسخ‌دهندگان مناسب بوده و شرکت‌کنندگان با مفاهیم مطرح شده در پرسشنامه آشنایی داشتند و برای پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه ابهامی نداشتند. برازش^{۳۸} مدل ارائه شده نیز بررسی شد که طبق آن، آرام.ام.اس.ای.ای^{۳۹} باید زیر $0/08$ باشد که طبق این موضوع، مدل ارائه شده مدل مناسبی است. جی.اف.آی^{۳۰} باید بزرگ‌تر از $0/05$ و کمتر از ۲ باشد که طبق این موضوع، مدل ارائه شده مدل مناسب و قابل قبولی است.

جدول ۴- جی.اف.آی. و آرام.آر؛ ارزیابی نیکویی برازش مدل پیشنهادی

مدل	آرام.آر. ^{۳۱}	جی.اف.آی.	ای.جی.اف.آی. ^{۳۲}	بی.جی.اف.آی. ^{۳۳}
مدل پیش فرض ^{۳۴}	۰,۱۱۹	۰,۷۳۱	۰,۶۱۹	۰,۵۱۵
مدل اشیاع شده ^{۳۵}	۰,۰۰۰	۱,۰۰۰		
مدل مستقل ^{۳۶}	۰,۳۷۱	۰,۲۵۴	۰,۲۲۴	۰,۲۴۴

جدول ۵- آ.ام.اس.ای.ای؛ ارزیابی نیکویی برازش مدل پیشنهادی

مدل	آ.ام.اس.ای.ای	ا.ا.و. + ۳۷۹	ا.چ.آی. + ۲۸۹	پی کلوز ^{۳۹}
مدل پیش فرض	۰,۰۷۴	۰,۰۶۹	۰,۰۸۰	۰,۰۰۰
مدل مستقل	۰,۱۳۳	۰,۱۲۹	۰,۱۳۷	۰,۰۰۰

در مرحله اول که هدف اولویت‌بندی فاکتورها بر اساس فاکتور اصلی حس مکان بود، وزن رگرسیون^{۴۰} بررسی شد. اولویت‌بندی عوامل در دولایه مورد بررسی قرار گرفت. در جدول برآورد مقادیر ضریب در مدل وزن رگرسیونی ستون میزان ارتباط^{۴۱} کاربرد مقایسه‌ای دارد و هرچه این عدد بیشتر باشد میزان اثرگذاری بر مؤلفه اصلی حس مکان بیشتر است.

جدول ۶- برآورد مقادیر ضریب در مدل وزنی رگرسیونی اثر مؤلفه‌های لایه اول بر مؤلفه اصلی حس مکان

میزان ارتباط	عامل مؤثر	اولویت
۱/۰۰۰	فعالیت انتخابی	۱
۰/۸۹۲	کیفیت فضایی	۲
۰/۸۴۹	آسایش محیط	۳
۰/۷۴۴	آرامش روان	۴
۰/۵۳۳	لذت بصری	۵
۰/۳۳۵	فعالیت اجتماعی	۶
۰/۲۲۳	کیفیت روحی	۷

عوامل ارگونومی، گرافیک محیطی، صوت محیطی، تناسبات فضایی و مقیاس فضایی، خاطره انگیزی، فرم، حضور عناصری از طبیعت و آب، پوشش نهایی سطوح، اجتماع‌پذیری و گپ زدن با میزان ارتباط منفی و سی.آر.^{۴۲} منفی رابطه معکوس داشته و از جدول رتبه‌بندی و اولویت‌بندی حذف شدند.

جدول ۷- برآورد مقادیر ضرایب در مدل وزنی رگرسیونی اثر عوامل لایه دوم بر مؤلفه اصلی حس مکان

اولویت	فاکتور مؤثر	میزان ارتباط	خطای استاندارد میانگین ^{۴۳}	نسبت بحرانی ^{۴۴}	سطح معنی‌داری ^{۴۵}
۱	چشم‌انداز	۱/۹۹۰	۸/۳۸۹	۰/۲۳۷	۰/۸۱۳
۲	شکل‌گیری رویدادهایی از جنس ساخت	۱/۱۶۷	۳/۸۴۶	۰/۳۰۲	۰/۷۶۲
۳	فعالیت‌پذیری	۰/۹۳۷	۲/۷۸۳	۰/۳۳۶	۰/۷۳۶
۴	دآوری ژورمان و ارائه پروژه‌های چیدمان	۰/۷۷۸	۵/۲۳۱	۰/۱۴۹	۰/۸۸۲
۵	چیدمان و فرم مبلمان	۰/۵۲۸	۳/۳۴۸	۰/۱۵۸	۰/۸۷۵
۶	امنیت	۰/۴۲۶	۲/۹۵۳	۰/۱۴۸	۰/۸۸۳
۷	رنگ و هارمونی	۰/۴۲۷	۲/۳۴۲	۰/۱۸۲	۰/۸۵۵
۸	رطوبت محیط	۰/۳۴۳	۳/۰۸۴	۰/۱۱۱	۰/۹۱۱
۹	نور طبیعی و مصنوعی	۰/۲۸۰	۱/۱۵۱	۰/۲۴۳	۰/۸۰۸
۱۰	سیر کولاسیون	۰/۲۶۹	۶/۸۲۵	۰/۰۳۹	۰/۹۶۹
۱۱	تعلق خاطر	۰/۰۹۷	۰/۸۱۲	۰/۱۲۰	۰/۹۰۵
۱۲	حرارت محیط	۰/۰۴۱	۰/۹۳۱	۰/۰۴۴	۰/۹۶۵
۱۳	نقش و بافت	۰/۰۳۹	۱/۲۲۴	۰/۰۳۲	۰/۹۷۵



۵- یافته‌ها و بحث

بررسی عوامل مؤثر عناصر کالبدی و الگوهای رفتاری کاربران به بالا رفتن میزان حس مکان دانشجویان به محیط دانشگاهی و باز تعریف فضاهای جمعی داخلی و کاربردی کردن آن‌ها کمک کرده و بر مبنای این بررسی می‌توان وضعیت نامطلوب فضاهای جمعی محیط‌های داخلی فراموش شده را ساماندهی کرده و بهبود بخشید. در برنامه‌ریزی برای ارتقاء میزان حس مکان در دانشکده‌ی معماری و شهرسازی و در رأس آن فضاهای جمعی که محور اصلی این پژوهش است، لازم است تمامی ابعاد فعالیتی، کالبدی و کیفیتی در نظر گرفته شود. در چنین دیدگاهی، حس مکان تنها محدود به عوامل کالبدی نخواهد شد و عوامل کالبدی باهدف ارتقای کیفی فضا و بازتعریف فضا برای ایجاد محیط پویا، سرزنده و اجتماعی توأم خواهد شد.

در بین ۸ مؤلفه لایه اول مؤثر بر حس مکان، مهم‌ترین مؤلفه فعالیت‌های انتخابی است. آزادی انتخاب و دور شدن از فضاهای تعریف شده برای فعالیت‌های خاص، این امکان را به دانشجویان می‌دهد تا میزان تمایل آنها به حضورپذیری در محیط افزایش پیدا کند و به تبع آن حس مکان آن‌ها تقویت شود.

کیفیت فضایی، در رتبه‌ی بعدی اولویت‌ها قرار دارد. از آنجایی که در طراحی فضاهای آموزشی تمایزی بین دانشکده معماری و دیگر دانشکده‌ها (جزء تبدیل برخی از کلاس‌ها به آتلیه) نیست، دانشجویان معماری و شهرسازی که خود جزء طراحان محسوب می‌شوند کیفیت نامطلوب محیط را درک کرده و این عامل در رتبه‌های بالاتری نسبت به باقی عوامل قرار گرفت. آسایش محیط، سومین عامل مؤثر، برای دانشجویانی که تمایل دارند تا بخشی از پروژه‌ها یا رویدادها را در فضای دانشگاه انجام دهند حائز اهمیت است. بازه‌ی طولانی حضور دانشجویان در طول سال و ساعات طولانی در روز، نیازمند فضایی است که در فصول مختلف و ساعات روز، شرایط را برای فعالیت دانشجویان فراهم آورد. برای مثال عدم بهره‌گیری از نور روز مناسب و همچنین چیدمان فضایی کارا در بسیاری از کریدورهای اصلی از جمله عوامل بلااستفاده ماندن این فضا است. آرامش روان، لذت بصری، فعالیت اجتماعی و کیفیت روحی به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

با توجه به مطالعات انجام شده و تحلیل‌های آماری می‌توان گفت در لایه دوم بر اساس نظر دانشجویان، عامل چشم‌انداز و ارتباط فضاهای جمعی همچون لابی و راهروهای داخلی با محیط بیرونی مؤثرترین عامل شناخته شده که با مشاهده فضاهای کنونی دانشگاه هنر، این نتیجه‌گیری دور از انتظار نبوده است. شکل‌گیری رویدادهایی از جنس ساخت^{۴۶}، فعالیت پذیری و داوری ژوژمان و ارائه پروژه‌های چیدمان^{۴۷} به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار داشتند که تمامی این موارد نشانگر تمایل دانشجویان به برقراری ارتباطات جمعی و در عین حال آموزشی در فضاهای مشاع و خارج از محیط‌های سنتی کلاس و آتلیه است. تغییر متدهای آموزشی از شیوه سنتی معلم محور به دانشجو محوری و اقتضای رشته‌های تدریس شده در دانشکده‌های معماری (مهندسی معماری، مهندسی شهرسازی، معماری داخلی) به انجام کارهای عملی و گروهی، از عوامل مؤثر برای تمایل دانشجویان به حضور در فضاهای جمعی است. چیدمان و فرم مبلمان که در رتبه بعدی قرار دارد از جمله مواردی است که به کلی در دانشکده‌های معماری فراموش شده و می‌توان با طراحی مبلمان‌هایی با چیدمان کاربردی برای فضای جمعی و ارگونومی مناسب برای دانشجویان، آن‌ها را ترغیب به فعالیت در محیط دانشکده و استفاده از فضاهای مشاع کرد. امنیت، رنگ و هارمونی، رطوبت محیط، نور طبیعی و مصنوعی، سیرکولاسیون، تعلق خاطر، حرارت محیط و نقش و بافت به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

۶- نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که از این پژوهش بر می‌آید می‌توان نتیجه گرفت که برای ارتقاء حس مکان، باید مؤلفه‌های مؤثر در طراحی فضاهای جمعی داخلی دانشکده‌های معماری و شهرسازی با هدف جلب رضایت کاربران اصلی فضا (دانشجویان) مورد توجه جدی طراحان قرار گیرد. ایجاد حس مکان و ترغیب دانشجویان برای حضوری پویا در فضاهای جمعی، می‌تواند کارایی آموزش در دانشکده‌ی معماری و شهرسازی را ارتقاء دهد. بررسی و شناخت دقیق استراتژی‌های طراحان فضاهای جمعی در دانشکده‌های معماری و شهرسازی و بررسی شیوه‌های مناسب برای بهبود وضع موجود فضاهای جمعی چنین فضاهایی از زمینه‌های پیشنهادی تحقیق‌های آتی در این حوزه است که برای تعمیق بیشتر در مسئله و دستیابی به دیگر ابعاد موضوع دارای اهمیت بسیار است.

پی‌نوشت

- 1- Irwin Altman
- 2- Sense of place
- 3- Christian Norberg Schulz
- 4- Edward Relph
- 5- Yi-Fu Tuan
- 6- David Canter
- 7- Fritz Steele
- 8- Amos Rapoport
- 9- Kevin Lynch
- 10- Hummon
- 11- John Brinckerhoff Jackson
- 12- Jan Gehl
- 13- Health
- 14- Safety
- 15- Welfare
- 16- Design Elements
- 17- Design Principles
- 18- Delphi
- 19- www.porsline.ir
- 20- Reliability
- 21- Cronbach's Coefficient Alpha
- 22- $\alpha = \frac{k}{k-1} \left(1 - \frac{\sum pq}{s^2}\right)$

۲۳- بر طبق مطالعات و مدل نظری انتخاب شده بر اساس آن؛ حس مکان ترکیبی از کیفیت، کالبد و فعالیت است، باید هر سه فاکتور و ریز فاکتورهاش در یک پرسشنامه پرسیده شوند.

- 24- 18 AMOS
- 25- Maximum Likelihood Estimation
- 26- Frequents Inference
- 27- Valid
- 28- Goodness of Fit

۲۹- شاخص Root Mean Square Error Of Approximation یا RMSEA یکی از شاخص‌های اصلی نیکویی برازش در مدل‌یابی معادلات ساختاری است.

- 30- GFI
- 31- RMR
- 32- AGFI
- 33- PGFI
- 34- Default model
- 35- Saturated model
- 36- Independence model
- 37- LO 90
- 38- HI 90
- 39- PCLOSE
- 40- Regression Weight
- 41- Estimate
- 42- C.R.

۴۳- برای برآورد میزان نزدیکی میانگین نمونه به میانگین جمعیت از آماره‌ای به نام خطای استاندارد میانگین (Standard Error) یا (SE) استفاده می‌شود.

۴۴- Critical Ratio - نسبت بحرانی که یک نماینده از معرف نمره T است.

۴۵- سطح معنی‌داری - به‌طور کلی معنی‌داری آماری نشان می‌دهد یافته‌های آماری تا چه اندازه ممکن است حاصل شانس و تصادف نباشد و این شاخص نشان می‌دهد که نمونه‌های تصادفی انتخاب‌شده از جامعه به‌طور کلی ویژگی‌های شبیه به جامعه دارند.

- 46- workshop
- 47- Installation



منابع

- پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۱). کیفیت فضا. آبادی، شماره ۱۲، ۱۱۱-۱۰۰.
- پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۵). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- پورمند، حسعلی. محمودی نژاد، هادی. رنج‌آزمای آذری، محمد (۱۳۸۹). مفهوم مکان و تصویر ذهنی و مراتب آن در شهرسازی از دیدگاه کریستین نوربرگ شولتز در رویکرد پدیدارشناسی. مدیریت شهری، شماره ۲۶، ۹۲-۷۹.
- پیربابایی، محمدتقی. قره‌بیگللو، مینو. علی‌نام، زهرا (۱۳۹۵). بررسی تاثیر عوامل فردی در مطالعه فرایندمحور دلبستگی به مکان با رویکرد روان‌شناسی شناختی. هنرهای زیبا، دوره، شماره ۲۱، ۶۸-۵۵.
- حیدری، علی‌اکبر. بهدادفر، نازگل (۱۳۹۳). بررسی وجوه مختلف مکان از دید معماران و غیر معماران. باغ نظر، شماره ۴۳، ۱۲۸-۱۱۷.
- حیدری، علی‌اکبر. یزدانفر، سیدعباس. بهدادفر، نازگل (۱۳۹۲). ارائه مدلی برای تبیین پارامترهای تاثیرگذار در معنای مکان در محیط‌های آموزشی. انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۵، ۶۲-۴۹.
- خبازنوری، اشکان. البرزی، فریبا (۱۳۹۴). بررسی مؤلفه‌های کیفی کالبدفضا آموزش معماری و تاثیر آن بر شاخصه‌های کیفی آموزش معماری و رضایتمندی از فضا. سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، تهران، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی.
- دانش‌پایه، نثار. حبیب، فرح (۱۳۹۶). معیارهای اصلی شکل‌گیری حس مکان در پهنه‌های توسعه جدید شهری. فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات شهری، شماره ۲۵، ۳۰-۱۷.
- رضویان، محمدتقی. شمس پویا، محمدکاظم. ملاتبارلهی، عبدالله (۱۳۹۱). کیفیت محیط کالبدی و حس مکان. جغرافیا و آمایش شهری، شماره ۱۰، ۸۷-۹۶.
- شاطریان، رضا (۱۳۸۹). طراحی و معماری فضاهای آموزشی. تهران: انتشارات سیمای دانش.
- ضرابیان، فرناز. منعم، محمدرضا (۱۳۸۷). بررسی میزان و عوامل تاثیرگذار بر حس مکان. شهرداریها، شماره ۸۹، ۲۳-۲.
- ضیاءشهبایی، نوشین. دبستانی رفسنجانی، اکبر (۱۳۹۸). بررسی شرایط ساماندهی و بهسازی فضای داخلی دانشکده تجسمی دانشگاه هنر. طرح پژوهشی، دانشکده تجسمی، دانشگاه هنر.
- عظمتی، حمیدرضا. پورباقر، سمیه. محمدی، منا (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر مطلوبیت فضاهای شخصی در محیط‌های آموزشی دانشگاهی (مطالعه موردی: دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی. علوم و تکنولوژی محیطزیست، دوره ۱۹، شماره ۴، ۵۸-۴۴).
- علی‌تاجر، سعید. زارعی حاجی‌آبادی، فاطمه (۱۳۹۵). نقش محیط ساخته شده در تعاملات دانشجویان در فضاهای غیررسمی مدارس معماری (نمونه موردی: دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی و پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران. هنرهای زیبا، دوره ۲۱، شماره ۱، ۹۰-۷۹).
- علیدوستی، سیروس (۱۳۸۵). روش دلفی: مبانی، مراحل و نمونه‌هایی از کاربرد. فصلنامه مدیریت و توسعه، شماره ۳۱، ۲۳-۸.
- فلاحت، محمدمصدق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن. هنرهای زیبا، ۶۶-۵۷.
- فلاحت، محمدمصدق (۱۳۸۴). نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد. هنرهای زیبا، ۴۲-۳۵.
- کامل‌نیا، حامد (۱۳۸۸). دستور زبان طراحی محیط‌های یادگیری. تهران: سبحان نور.
- گلکار، کوروش (۱۳۷۹). مؤلفه‌های سازنده کیفیت فضای شهری. صفه، شماره ۳۲، ۶۵-۳۸.
- گل، یان (۱۳۹۶). زندگی میان ساختمان‌ها (کاربرد فضای جمعی)، علی‌اکبری. فرشته کرمیان، نسترن محرابی. تهران: نشر پرهام نقش.
- لک، آزاده. غلامپور، اشکان (۱۳۹۴). درک معنای حس مکان در بازسازی مسکونی بم. مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۹، ۵۰-۳۷.
- لنگ، جان (۱۳۸۶). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. علیرضا عینی فر. تهران: نشر دانشگاه تهران.
- نقدیشی، رضا. نجف‌پور، حامد. نقدیشی، الهام (۱۳۹۷). ارزیابی کیفیت آموزش معماری از منظر مدرسان (مطالعه موردی: دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. هویت شهر، شماره ۴، ۶۰-۴۷).
- وزیر، وحید. کرامتی، صدف (۱۳۹۶). تاثیر رضایتمندی از کیفیت معماری فضای آموزشی بر موفقیت تحصیلی بهره‌بردار. معماری و شهرسازی پایدار، ۵ (۱)، ۱۴-۱.

- Altman, I. & Low, S. (1992). *Place attachment*. New York: Plenum.
- Boerebach, J.J. (2012). *Sense of place: attachment to, identity with and dependence of shopping locations*. (Unpublished master's thesis). Eindhoven University of Technology, Maastricht. Available on <https://research.tue.nl/en/studentTheses/sense-of-place>
- Kurt, S. (2009). An Analytic Study on the Traditional Studio Environments and the Use of the Constructivist Studio in the Architectural Design Education. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 1(1), 401-408.
- Kusumowidagdo, A., Sachari, A. & Widodo, P. (2015). Visitors' Perception towards Public Space in Shopping Center in the Creation Sense of Place. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 184, 266-272.
- McCann, L.J. & Gifford, R. (2014). Interrelations between sense of place, organizational commitment, and green neighborhoods. *Cities*, 41, 20-29.
- Lynch, K. (1984). *A theory of good city form*. Cambridge: MIT press.
- Lynne, M. (2003). Beyond house and haven toward a provisioning of emotional relationship with Place. *Journal of Environmental Psychology*, 23, 47-61.
- McCoy, J.M. & Evans, W.G. (2010). The potential role of the physical environment in fostering creativity. *Creativity research journal*, 14(3-4), 409-426.
- Musa, A. R. et al. (2012). Temperature Analysis for Indoor Environmental Quality (IEQ) of UKM Architecture Studio. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 60, 575-581.
- Proshansky, H. M. (1978). The city and self identity. *Environment and Behavior*, 10(2), 147-169.
- Rapoport, A. (1982). *The meaning of the built environment: a nonverbal communication*. Arizona: University of Arizona Press.
- Relph, E. (1976). *Place and place lessness*. London: piton.
- Steele, F. (1981). *The sense of place*. Boston, Mass: CBI Pub. Co.
- Tuan, Y. F. (1974). *Topophilia*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Tuan, Y. F. (1980). Rootedness versus sense of place, *Landscape*, 24 (1), 3-8.
- Yildiz, S. & Cakir, S. (2013). Evaluation of classroom Design in Terms of Foreign Language Learning. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 83, 277-281.
- Williams, D.R. et al. (1995). Measuring place attachment: More preliminary results. *Leisure Research symposium*. San Antonio, Texas (october 4-8).

